



پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۳۶۰

[فرهنگ و هنر]

به عبارت دیگران

تجدید چاپ!

تصمیم داشتیم «حرف حساب» روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۶۷ خودمان را، که مقارن باهشتمین سالگردکودتای عقاب

(شهید نوزه) قلمی کرده بودیم، در نخستین سالگرد خودش و در آستانه نهمین سالگرد کودتا، تجدید چاپ کنیم اما به کلمه‌مان زد که این کار را همین امروز بکنیم! و البته، اگر نرخ طلا به این گرانی نبود، جا داشت که آن را با آب طلا می‌نوشتیم:

«از کشوری که پهلوان اساطیری‌اش! «تازان»! بنای تاریخی‌اش! «همپار استیت»! هنر سنتی‌اش «گلوچرانی»! مرکز فرهنگی‌اش! «هالیوود»! سوغاتش «ایدر»! قهرمان ملی‌اش «رامبو»! مردش «هایکل جکسون»! گاوش «بوفالو»! و رئیس‌جمهورش «ریگان» باشد، انتظار هر جنبانی داشتن، کمال عقل است و غیر از این، نهایت بی‌عقلی!»

توضیح آنکه آن روز «ریگان» بود و امروز «جرج بوش»... و فرقی هم‌نمی‌کند... در همه‌عالَم و در همه

زمان‌ها، سگ زرد برادر شغال بوده است!

«گل آقا»/کیومرث صابری (گل آقا)
روزنامه اطلاعات - ستون دو کلمه حرف حساب
دوشنبه ۱۳۶۸/۲/۴

نگرانی یک فرمانده در آستانه شهادت!

از امحسن!آمیدی پرسیدم: حاج‌محسن!منت‌های آرزویت چیست؟ گفت: شهادتی مثل شهادت حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام با بدنی قطعه‌قطعه شده و در بیابان مانده.

گفتم: اگر امثال شما فرماندهان شهید شوند، با آمدن پیکرشان به شهر، شور و حالی بر فضای پشت جبهه حاکم می‌شود که مردم برای اعزاز و پیوستن به جبهه تهییج می‌شوند.

امید پاسخ داد: آقای شهبازی! می‌دانی که من این شهر کمی شناخته‌شده هستم، خوف آن را دارم که اگر جنازه هر پس از شهادت به شهر بر گردد، مردم زیادی در مراسم تشییع شرکت کنند. بعد می‌دانی چه اتفاقی می‌افتد؟

پرسیدم: چه اتفاقی؟ گفت: دل یک پدر شهید می‌گیرد و آه می‌کشد و می‌گوید: خدایا! چرا پشت سر پیکر شهید من این همه جمعیت نبود.

حمید حسام/ آب هرگز نمی‌میرد
خطرات سردار جانباز میرزامحمد سلگی فرمانده گردان حضرت ابالفصل(ع) لشکر انصارالحسین(ع)
نشر صبر - صفحه ۴۴۰

تندروهایی که شهید شدند!

انقلاب اوج گرفته بود. در ایران تنها موضع‌گیری‌های دو پهلوی آیت‌الله [سیدکاظم] شریعتمداری انقلابیون را نگران می‌کرد. در شرایطی که صدای شکسته شدن استخوان‌های رژیم به گوش می‌رسید، شخصیت پرتر فداکاری مثل آیت‌الله شریعتمداری در سخنرانی‌اش از «تندروها» انتقاد کرده بود. سیدعلی خامنه‌ای: «روش آقای شریعتمداری این بود که با اظهارات خود سعی می‌کرد هم رژیم را راضی کند، هم مردم را طبیعت اظهارات او طوری بود که معمولاً رضایت رژیم را بیشتر مد نظر داشت، زیرا رژیم مفهوم آنها را می‌فهمید و بهر‌میرداری لازم را می‌کرد، اما مردم ممکن بود با موضوع گیری ضعیف و شکننده سرگرم شوند. تعبیر «تندروها» در آن شرایط بسیار خطرناک بود، چراکه اگر هم سر زبان‌ها می‌افتاد همه پیروان راه انقلاب به عنوان تندروها معرفی و محکوم می‌شدند. لذا در نامه‌ای که به وی نوشتم، گفتم که این اظهارات بهانه به دست رژیم می‌دهد تا به نام مبارزه با افرافراطی‌گری، انبوه جمعیت خروشان را از دم تیغ بگذرانند و در چنین شرایطی مسؤولیت این قتل‌عام به عهده شما خواهد بود. وقتی نامه را به پایان بردم و آن را امضا کردم، هنوز آن را نفرستاده بودم که خبر کشتار ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران رسید. در حاشیه آن نوشتیم: این آغاز عملیات نابودسازی تندروهاست.»

دایره‌المعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی
جعفر شیرعلی‌نیا
نشر سایان - صفحه ۲۱۰

سطح معیشت ایرانیان در دوره پهلوی

جان فوران، استاد دانشگاه کالیفرنمای آمریکا، درباره سطح زندگی و معیشت دهقانان که اکثریت ایرانیان را شامل شده و ۶۹/۵ درصد از کل جمعیت ایرانی بوده است، می‌نویسد: «سطح زندگی دهقانان ایرانی رضایتبخش نبود. به اعتقاد بسیاری از ناظران در اواخر سلطنت رضاشاه این وضع بدتر شد... رژیم غذایی در یک خانواده معمولی دهقانی به شرح زیر بود:

صبحانه: نان و چای

ناهار: نان و ماست

شام: نان و ماست و چای
کدی (تاریخشان آمریکایی و متخصص حوزه خاورمیانه) نتیجه می‌گیرد: «دهقان غالباً گرسنگی می‌کشید». سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۵۰م/ ۱۳۳۰ش برآوردی در این‌زمینه به عمل آورد و متوجه شد که در ایران هر بزرگسال روزانه کمتر از ۱۸۰۰ کالری دریافت می‌کند، که از تمام مناطق فقیرنشین خاورمیانه کمتر و پایین‌تر بود.

جان فوران /مقاومت شکننده
احمد تدین- صفحه ۳۴۹

حضرت امام صادق(ع):

کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه باید ببیند آیا نمازش او را از رفتی‌ها و ناپاکی‌ها دور کرده است یا خیر. به همان اندازه که دور کرده، قبول شده است.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیر‌عامل: رضا شکیبایی
پست الکترونیکی : info@vatanemrooz.ir
تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
پيام‌رسان: @vatanemrooz
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گفت‌وگوی «وطن امروز» با استاد محمدعلی مجاهدی درباره مواجهه شعر

آیینی ایران با جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی

این یک دفاع مقدس است

و شعر آیینی، امروز با یک درخت تناور برومندی روبه‌رو هستیم که در سایه‌سار آن هزاران نفر دارند از معارفش استفاده می‌کنند. شعر آیینی قبل از انقلاب وجود داشت اما بعد از انقلاب وقتی ما کم‌کم پاید‌ها و نیاید‌های شعر آیینی را تبیین کردیم و مشخص شد که یک شعر آیینی بی‌حاشیه کدام شعر است و چرا اصلاً به این شعر مذهبی گفتیم شعر آیینی، به تحولات مهمی رسیدیم. به این شعر می‌گوییم آیینی به خاطر اینکه دائر شعر آیینی باید اول به آیینگی برسد. یعنی از نظر درونی و خودسازی به مرحله‌ای از لطافت روحی رسیده باشد که بتواند این پیام‌های شناور در فضا را که جنبه ماورایی و ولایی دارند رصد کند و به تصویر بکشد.

■ **آن چیزی که باعث شد این تحول رخ بدهد جو اجتماعی بود یا اینکه مثلاً حاکمیت تأثیر داشت؟**

این انقلاب یک انقلاب فرهنگی بود. بعد هم روشنفکران و دلسوزان و کسانی که به هر حال دستی بر آتش داشتند، دیدند مسیر شعر آیینی دارد سر از ناکجاآباد درمی‌آورد. این بود که وارد حوزه نقد شعر آیینی شدند و شعرهایی را که آفت زده و برگرفته از مطالب نادرست و غیرمستند و غیرقابل دفاع بودند از قلمرو شعر آیینی حذف کردند. گفتند ما این نوع اشعار را به عنوان شعر آیینی نمی‌شناسیم. شعر آیینی شعری است که به لحاظ محتوایی منتهی باشد به مستندات متقن. حال اینکه منابع‌شان، منابع تاریخی باشد، اجتماعی باشد، مذهبی باشد یا مسائل دیگر، به هر حال باید متقن و دست اول باشند. شاعر به گفته‌ها بسنده نکند که فلائی اینطور گفت، بلکه باید خود دامن همت را به کمر ببندد و

برود به سر چشمه برسد و از سرچشمه آب بردارد، نه اینکه هزاران کیلومتر بعد از سرچشمه، آبی که در بستر تاریخی خود خواهی نخواهی بسیاری از خس و خاشاک‌ها را به همراه آورده مورد استفاده قرار بگیرد. باید اینها پالایش شود و بعد از پالایش مورد استفاده قرار بگیرد. الحمله امروز نمی‌خواهم بگویم صددرصد ولی حدود ۸۰ درصد از این نوع اشعار و سروده‌ها دیگر تولید نمی‌شود و اگر می‌بینید بعضی شعر‌ها با همین اشکال در بعضی از محافل خوانده می‌شود، اینها از همان اشعاری است که نیاز به نقد جدی دارد.

■ **غیر از بحث محتوایی که همین بحث‌های تاریخی و سندی**

ارجاعات اشعار است، از لحاظ زبان و به لحاظ فرمی هم در این

۴۰-۳۰ سال یک تغییر عمده را می‌بینیم. این اشعار از نظر فرم شعر به‌شدت نوگرا شده‌اند.

اگر منظورتان جنبه ساختاری شعر است، شعر آیینی ما لان در تمام زمینه‌ها، مثلاً شعر سپید، شعر نیمایی، شعر کلاسیک هزار ساله و هر چیز دیگر، به هر حال انواع این اشعار در قلمرو موضوعی شعر آیینی ورود پیدا کردند و این ساحت محتوایی، با قالب‌ها و با فرم‌ها مشکل ندارد. آن چیزی که مطرح است، محتواست. محتوا برای ما حرف اول می‌زند. اینکه محتوا را در چه ظرفی می‌خواهید بریزید، انتخاب شاعر است.

■ **اینکه شما می‌فرمایید با انقلاب، شعر آیینی خیلی جان گرفت، این به ماجرای جنگ هم هر ربط می‌شود؟**

مسلمان‌این‌طور است. ببینید، ما قبل از انقلاب شعری به عنوان شعر دفاع مقدس نداشتیم. نداشتیم چون تجربه‌اش را نداشتیم. یا شعری به عنوان شعر عبادی یا شعر توحیدی نداشتیم. الان شما اگر بخواهید در زمینه انواع شعر آیینی وارد شوید، این شعر توحیدی گرفته تا شعر اخلاقی، شعر عرفانی، شعر حماسی، شعر تاریخی، اجتماعی و حتی اشعاری که جنبه اعتراضی دارند، ما آنها را هم به رسمیت می‌شناسیم. منت‌ها حد و حدودش مشخص است. مثلاً شعری که بار محتوای اعتراضی دارد، وقتی قابل قبول است که انصاف

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۸۲
تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیکی :
پيام‌رسان: @vatanemrooz
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

حرف اول را در آن بزنند. یعنی جانبدارانه

نباشد. یک مساله‌ای عنوان می‌شود یا یک اتفاقی در جامعه افتاده که آن را شاعر مورد کندوکاو قرار می‌دهد؛ منت‌ها این کندوکاو باید خارج از حب و بغض باشد و خیلی منصفانه این کار انجام نشود. آن وقت است که مخاطب شما حرف شما را می‌پذیرد.

■ **این‌طور که شما می‌فرمایید، کمی همپوشانی وجود دارد بین واژه شعر آیینی با شعر مقاومت...**

ببینید! شعر مقاومت هم یکی از زیرمجموعه‌های شعر آیینی است. شعر شهادت هم همین‌طور. همان‌طور که عرض کردم، ما بسیاری از این موارد را پیش از انقلاب نداشتیم. بعد دیدیم به این مسائل هم پرداخته شده که قبلاً در موضوعات شعر آیینی برچسته‌نبوده، مثل همان شعر توحیدی یا اخلاقی. حالا فراخوان‌هایی می‌دهند در همین زمینه‌ها، آثار داوری می‌شود و بهترین‌ها را معرفی می‌کنند و ای بسا که این بهترین‌ها را در مجموعه‌ای هم چاپ و ارائه کنند.

■ **با توجه به حمله‌ای که رژیم صهیونیستی به کشورمان انجام داد و از آن انحطالی که انجام شد ما جنبه دفاعی داشتیم،**

واکنش شعر آیینی به این موضع چطور بوده؟

این یک دفاع‌مقدس است. ما در خون‌مان و در وجودمان حب وطن هست، حب الوطن من الایمان. این ریشه دینی و مذهبی هم دارد که دوستی وطن از ایمان است. کسی که مومن است وطنش را دوست دارد، حالا آیا این جهان‌وطنی است یا وطنی که در جایی از آن انسان رشد و نمو می‌کند، آن بحث دیگری است. وقتی ما جهان‌وطنی را می‌خواهیم عنوان کنیم، آن نگاه یک نگاه توحیدی است که مرزها را به رسمیت نمی‌شناسد و با یک نگاه مشخص و واحد مسائل را مورد بازبینی قرار می‌دهد و به نتیجه می‌رسد ولی چیزی که ما الان با آن روبه‌رو هستیم ایران است؛ ایرانی که بالغ بر چندین هزار سال سابقه تاریخی دارد. ما برای تمدن ایرانی کشته‌ها دادیم و اتفاقات بسیار ناگواری در آن رخ داده که

این کشور پاره‌جا مانده. به‌رغم بی‌کفایتی بسیاری از حکامی که قسمت‌هایی از وطن ما را پاره‌پاره کردند و در جنگ‌ها به خاطر بی‌کفایتی بخش‌هایی را از دست دادند یا خاتم‌بخشی کردند که من نمی‌خواهم خیلی پرده از روی آنها بردارم؛ به هر حال این چیزی است که الان در دست ما است. در ۸سال دفاع‌مقدس ما حتی یک وجبش را از دست ندادیم و در حفظ این وطن با جان و دل کوشیدیم و موفق هم شدیم. امروز هم مساله همین است. کسانی که دشمن ما هستند، دشمن ایران‌اند و می‌خواهند ایران‌استان بسازند، ایران را به ۳۰ تا کشور که دارای ۲۰ تا پرچم باشد تقسیم کنند. هر استانی را یک کشور کنند. ایران یک کشور بزرگ حاصلخیز است که چشم همه دشمنان به این مسائل است و ایرانیان دیگر نمی‌خواهند بگذرانند تجربه‌های تلخ گذشته تکرار شود. خوشبختانه الان نسل جوان ما و سایر عزیزانی که امروز در این آب و خاک زندگی می‌کنند، با تمام وجود احساس کردند که کیان آنها و اعتبار و موجودیت آنها در خطر است. این است که با جان و دل به میدان آمدند و پشت ربه‌ری هم ایستادند و خواهند ایستاد. ■ **با توجه به تجربه دفاع مقدس که شما هم آن را از سر**

وقت تغییر پارادایم روشنفکری ایرانی

ایران تغییر یابد و از صورت‌بندی‌های رمانتیک یا اخلاق گرایانه به سوی تحلیلی واقع‌گرایانه و مبتنی بر قدرت عبور کند. این تغییر پارادایم، در سطح بنیادین، مستلزم بازتعریف روشنفکر ملی به مثابه یک استراتژیست و طراح اراده جمعی است، نه صرفاً یک مفسر یا شاعر روح ملی. باید از اسطوره‌های «ایران مظلوم» یا «ایران شاعرانه» عبور کنیم و به ایران به مثابه یک اراده زنده و مقاوم بیندیشیم، اراده‌ای که در ساحت سیاست، هنر، اقتصاد و حتی در زبان و حافظه جمعی، تجلی می‌یابد. دیگر نمی‌توان به امید نوعی آشتی فرهنگی با غرب نشست یا انتظار داشت پذیرش ایران در محافل آکادمیک غرب، ما را از تهدید قهر برهاند. این توهم، در عمل، به خلع سلاح ما انجامیده است.

پس از جنگ ۱۲ روزه تحمیلی، روشن شد هر گونه امید به «همزیستی زیباشناختی» یا «صلح فرهنگی» در برابر قهر ساختاری غرب، نه فقط بی‌فایده، بلکه خطرناک و فریبنده‌است. روشنفکری ملی ایرانی، اگر بخواهد واقعا ملی بماند، باید به جای



گذرانده‌اید، این جنگ تحمیلی دوم که به راه افتاده و ما می‌خواهیم حالا از میهن و از کیان‌مان دفاع کنیم، چطور پیوند می‌خورد با مسائل مذهبی و بویژه خود عاشورا که روحیه مقاومت را ایجاد می‌کند؟

ما هرچه داریم از مکتب عاشورا داریم. اگر سلحشوری و جوانمردی و ایستادگی در برابر ظلم و برنرفاقتن حاکمیت‌های غیرعقلاتی در ما وجود دارد، این‌ها را ما از مکتب اهل بیت خصوصاً از مکتب سرخ عاشورا آموختیم. آقا امام حسین کشته شد به خاطر اینکه جوانمردی نمیرد و آزادگی بتواند به حیات خودش ادامه بدهد. ما این درس‌ها را از آقا امام حسین آموختیم و ان‌شاءالله که بتوانیم این راه را بخونی ادامه

بدهیم و از عهده این کار برپاییم.

■ **با اشعاری ما، بویژه اشعاری آیینی‌مان در این مدت کارهایی انجام داده‌اند یا به یک لحن و مانیفستی رسیده‌اند که ما در ادامه بخوایم ادبیات مقاومت شکل بدهیم و هم سرود خوانده شود و هم این محتوای هنری مقاومت به شاخه‌های دیگر هنری سرایت کند؟**

اگر منظورتان جنگ تحمیلی دوم است، من همین چند روز پیش تهران زودم و در یکی از شبکه‌ها برنامه داشتم و آثاری را که آمده بود بررسی می‌کردیم. انصافاً آثار بسیار فقیم و متقنی که صیغه ماندگاری داشت دیدم. این‌ها را بیشتر شعرای جوان ما سروده بودند که با آن غیرت ایرانی -اسلامی خودشان به میدان آمدند و آن چیزی را که با تمام وجود احساس می‌کردند و می‌کنند به تصویر کشیدند. این‌ها انصافاً قابل تحسین است و ان‌شاءالله در آینده بخش عظیمی از تاریخ ادبیات ایران را به خود اختصاص خواهد داد.

■ **خیلی ممنون از شما. در پایان اگر نکته‌ای هست که لازم می‌دانید اضافه کنید و به ذهن ما نرسیده که به آن اشاره کنیم بفرمایید**

ممنون. زیاده عرضی نیست. من فقط یک غزل کوتاه می‌خوانم که نشان بدهیم ما اگر حرفی می‌زنیم، در عمل هم پای آن ایستاده‌ایم.

کیست این مردی که رو در روی دنیا ایستاده در دل دریای دشمن بی محابا ایستاده
لرزه می‌افتد به جان خیل دشمن از خروشش
وز نهییش قلب هستی، نبض دنیا ایستاده
می‌گذارد پای بر فرق شط از دریا دلی‌ها
و چه بشکوه و تماشایی‌ست، دریا ایستاده
گر چه زینب زیر بار داغ‌ها از پا نشسته
تکیه کرده بر عمود خیمه‌ها، پا ایستاده
او که دارد فطرتی نازک‌تر از آیینه حتی در مصاف خصم چون کوهی ز خارا ایستاده
با غریو «یا رایت فی البلا الاعمیلا»
پیش روی آن همه زشتی، چه زیبا ایستاده
از قیام کربلا این درس را آموخت باید
ظلم را نتوان ز پا انداخت، الا ایستاده
این پیام تک‌سوار ظهر عاشورا ست یاران
مرگ در فرهنگ ما زیباست اما ایستاده

قرار گرفتن در جایگاه و کیل مدافع حقیقت غربی، به مهندس مقاومت ملی بدل شود. این یعنی ترک عادت دیرینه نگاه از بالا، فاصله گرفتن از ژست‌های آکادمیک و ادبی و نزدیک شدن به مردم، به میدان سیاست، به جغرافیا و زمین. زیرا همان‌طور که در سنت غربی، حقیقت با زمین و قلمرو معنا می‌یابد، در ایران نیز حقیقت ملی بدون خاک، بدون مرز و بدون قهر دفاعی، تنها یک واژه توحالی خواهد بود.

اکنون زمان آن رسیده که روشنفکری ملی، بیش از هر زمان دیگر، خود را بازاریابی کند؛ تا از بازنمایی رمانتیک ایران، به سازماندهی حقیقی اراده ایرانی برسد. روشنفکر ایرانی اگر بخواهد در میدان تاریخ بماند، دیگر حق ندارد از پذیرش منطق قهر طفره رود، زیرا ملتی که به قهر مشروع خود آگاه نیست، در نهایت، به خطاهای تبدیل خواهد شد که در کتاب‌های تاریخ، با تحسین و حسرت از آن یاد می‌کنند. این تغییر پارادایم، شرط بقاست، نه یک انتخاب روشنفکرانه. هرچه زودتر این شرط پذیرفته شود، شانس بقا و تعالی ایران بیشتر خواهد بود.

در وادار کردن رژیم به درخواست توقف جنگ ایفا کرد. برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه اسرائیل مبنی بر فلج کردن توان نظامی ایران، پاسخ‌های سریع و تشدید تصاعدی حملات موشکی ایران، معادلات را به نفع تهران تغییر داد. تخریب گسترده در بترسبع و ناتوانی سامانه‌های دفاعی رژیم در برابر موشک‌های هایپرسونیک و بالستیک ایران، سران تل آویو را به این نتیجه رساند که احتمالاً ادامه جنگ به فروپاشی نظامی و اقتصادی آن منجر خواهد شد. در شرایطی که ۲ هفته از توقف جنگ می‌گذرد، این گزاره در حال تثبیت است که قدرت آفندی ایران، اصلی‌ترین عامل و مولفه توقف جنگ بوده است؛ واقعیتی که می‌تواند در تخمین وضعیت آینده جنگ و موازنه قدرت در غرب آسیا موثر باشد.

خود را در مقایسه با روزهای ابتدایی به اوج رساند. موشک فتاح با سرعت ۱۳ تا ۱۵ مایخ و توانایی نفوذ به سامانه‌های پدافندی پیشرفته به‌عنوان «۴۰۰ ثانیه تا تل آویو» شناخته می‌شود و در حملات به شهرهای کلیدی رژیم غاصب، از جمله تل آویو و حیفا، خسارات قابل توجهی وارد کرد. در موج نهایی حملات در نخستین ساعات صبح ۲ تیر ۱۴۰۴، ایران منطقه بترسبع در جنوب سرزمین اشغالی را هدف قرار داد. این حمله، اسرائیل را با حجب بی‌سابقه‌ای از تخریب مواجه کرد. این حملات نه‌تنها سامانه‌های دفاعی رژیم را تحت فشار قرار داد، بلکه روحیه عمومی و اعتماد به توانایی‌های دفاعی رژیم تبهکار را نیز تضعیف کرد. اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی به «بهای سنگین» این حملات در بترسبع

ادامه از صفحه اول

در ادامه، ایران استراتژی تشدید تصاعدی را پیش گرفت و هر روز با استفاده از موشک‌های پیشرفته‌تر و قدرتمندتر، فشار بر رژیم صهیونیستی را افزایش داد. به ادعان رسانه‌های صهیونیستی، در هشتمین روز جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ایران، تعداد موشک‌هایی که سامانه‌های پدافندی رژیم و حامیان‌ش رهگیری می‌کردند، کاهش چشم‌گیری داشت.

در روزهای پایانی جنگ، ایران با به کارگیری موشک هایپرسونیک فتاح؛ همچنین موشک‌های چند خوشه‌ای فدیر FH، قدرت تخریبی

ادامه از صفحه اول



گزارش